

جهاد با مال: درنگی در زندگی حضرت خدیجه رضی الله عنها

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی *

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^۱

اشاره

دختران در زمان جاهلی، زنده به گور می شدند؛ به طور کلی جنس مؤنث در جامعه جاهلی ارزشی نداشت. مطالعه تاریخ ثابت می کند زن در دنیای قبل از اسلام، مورد ظلم و ستم قرار می گرفت؛ اما اسلام جایگاه واقعی را به آنان برگرداند. یکی از بانوان موفق در تاریخ اسلام، حضرت خدیجه رضی الله عنها است که در اسلام به مقامات عالی رسید. این بانوی بزرگوار که از ثروتمندان قریش بود، با انفاق تمام اموال خود، الگویی برای زنان و حتی مردان پس از خود شد. حضرت خدیجه رضی الله عنها به دلیل امانت داری، راستگویی، خوش خلقی و ویژگی های پسندیده ای که در حضرت محمد صلی الله علیه و آله دید، با ایشان ازدواج کرد.^۲ اما نکته بسیار دارای اهمیت در زندگی این بانوی بزرگوار، «جهاد با مال» بود. نوشتار پیش رو به این ویژگی حضرت می پردازد.

جهاد با سرمایه و مال در قرآن و روایات

جهاد با مال و سرمایه از جمله آموزه هایی است که در قرآن و روایات بارها به آن اشاره و تأکید شده است: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ

* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. آل عمران: ۹۲: «هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، [در راه خدا] انفاق کنید؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است».

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۲، ص ۲۸۱.

لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛^۱ به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما [از هر چیز] بهتر است اگر بدانید». همچنین می‌فرماید: «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛^۲ ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و همه نیکی‌ها برای آنهاست و آنها همان رستگاران‌اند». در این آیات، افزون بر جهاد با نفس، تعبیر جهاد با مال دیده می‌شود.

حضرت علی علیه السلام نیز در وصیت‌نامه خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسَّبِيلِ لِلَّهِ؛^۳ و خدا را خدا را در مورد جهاد در راه خدا با دارایی‌ها و جان‌ها و زبان‌هایتان در نظر داشته باشید».

منظور از جهاد با مال منحصر به تهیه تدارکات و تجهیزات برای جنگ و جهاد نیست، بلکه دایره آن بسیار وسیع‌تر است و انفاق مال برای پیشبرد دین خدا و گره‌گشایی از خلق خدا را نیز دربر می‌گیرد. امروزه تعبیری از قبیل «جنگ اقتصادی»، «جنگ فرهنگی» و «تهاجم فرهنگی»، درک مفاهیمی چون جهاد با مال و جهاد با زبان را آسان‌تر می‌کند.

ملکة مکه

حضرت خدیجه رضی الله عنها پیش از اسلام یک تاجر موفق شناخته می‌شد.^۴ برخی از منابع دارایی ایشان را بیش از هشتاد هزار شتر نوشته‌اند؛ در واقع هشتاد هزار شتر، اموال تجارتي ایشان را به اطراف و اکناف جزیره‌العرب و خارج از آن از مصر و حبشه و روم و شام و ... حمل و نقل می‌کردند.^۵ ثروت او از همه اهل مکه بیشتر بود؛^۶ به همین دلیل ایشان را «ملکه بزرگ» خطاب می‌کردند.^۷ به طور بدیهی ثروت زیاد به‌تنهایی اجر و قرب معنوی برای کسی در پی ندارد؛ هرچند ثروت می‌تواند ابزاری باشد که صاحب خود را به مقامات بالای معنوی می‌رساند، البته به شرط آنکه

۱. صف: ۱۱.

۲. توبه: ۸۸.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۳۹۸.

۴. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن‌سیدالناس، عیون الاثر، ج ۱، ص ۶۳.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۶. لیسَ بِمَكَّةَ أَكْثَرَ مَالًا مِنْ خَدِيجَةَ (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱).

۷. همان، ص ۲۰.

صاحب ثروت چنین ظرفیتی را داشته باشد. حضرت خدیجه علیها السلام چنین ظرفیتی را داشت؛ زیرا در زمان جاهلیت نیز به طاهره ملقب شده بود.^۱

حضرت خدیجه علیها السلام و جهاد با مال

پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه به پیامبری مبعوث شد و مردم را به توحید دعوت کرد و از بت پرستی برحذر داشت. مشرکان مکه انواع و اقسام ترفندها را به کار بردند تا بر سر راه حضرت مانع ایجاد کنند. این ترفندها که شامل تهدید، تطمیع پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران باوفایش می شد، مانع تبلیغ اسلام نشد. برخی همانند سمیه و یاسر در این راه به شهادت رسیدند و برخی مانند عمار، بلال، ابن مسعود و ... به سختی شکنجه شدند؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنان به دعوت مردم اصرار داشت.

مشرکان مکه ترفند دیگری را به کار بستند؛ آنها در سال هفتم بعثت پیمان نامه ای نوشتند و امضا کردند که در تاریخ با عنوان «صحیفه ملعونه» شناخته می شود. بر اساس مفاد این پیمان نامه، محدودیت هایی برای بنی هاشم وضع شد؛ از جمله اینکه هیچ کس حق معاضرت با بنی هاشم را ندارد، هیچ کسی نمی تواند به آنان کالایی بفروشد یا بخرد. این تحریم سبب شد بنی هاشم در مکانی به نام «شعب ابی طالب» سکنی گزینند و سه سال در سخت ترین شرایط زندگی کنند.

حضرت خدیجه علیها السلام در چنین شرایطی اموال جمع آوری شده در سالیان دراز را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله نهاد تا با برنامه ریزی دقیق، محصورشدگان در شعب از این اموال استفاده کنند تا فرجی برای برون رفت از این وضعیت حاصل شود. ایشان ابتدا نمایندگان را به سوی اشراف قریش از جمله ابوجهل فرستاد تا از این کار دست بردارند و تحریم اقتصادی را لغو کنند؛ اما پس از آنکه مشرکان در تصمیم خود سماجت کردند، حضرت خدیجه علیها السلام به کمک برادرزاده اش حکیم بن حزام، آذوقه تهیه می کرد و پنهانی به شعب ابی طالب می فرستاد؛^۲ به گونه ای که حضرت در این راه تمام اموال خود را خرج کرد؛^۳ چراکه گاهی آذوقه را با چند برابر قیمت خریداری می کرد و آن را به شعب می رساند.^۴

۱. و کانت تُدعی فی الجاهلیة بالطَّاهره لشدَّة عفافها و صیانتها (محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱).

۲. عبدالمکمل ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۴. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۸.

آری، فشار و سختی‌های شعب به اندازه‌ای زیاد بود که پس از پایان آن سه سال طاقت فرسا، یعنی در سال دهم، حضرت ابوطالب در ماه رجب و در دهم ماه مبارک رمضان همان سال حضرت خدیجه علیها السلام رحلت کردند. اگرچه بیشتر مال حضرت خدیجه علیها السلام در راه اسلام خرج شده بود، اما مقداری پس از رحلت ایشان باقی ماند که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به کسانی بخشید که قصد هجرت به مدینه را داشتند و از نظر مالی توانایی نداشتند.^۱

حضرت خدیجه علیها السلام به روش‌های دیگر نیز جهاد با مال می‌کرد؛ از جمله این روش‌ها، کمک به فقیران و مساکین بود. بنا بر گزارشی، روزی حلیمه سعدیه - دایه پیامبر صلی الله علیه و آله - نزد حضرت آمد و از خشک‌سالی و قحطی در قبیله خود شکایت کرد. حضرت خدیجه علیها السلام تا این مطلب را شنید، چهل گوسفند و یک شتر به او هدیه کرد و با تجلیل و تکریم او را روانه قبیله‌اش کرد.^۲ این بانوی بزرگ اختیار اموال خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله سپرد؛ حضرت نیز با آن اموال، بدهی‌های مسلمانان را ادا می‌کرد، اسیران را آزاد می‌نمود و از ضعیفان جامعه دستگیری می‌کرد. بدین ترتیب، این ثروت نقش محوری و بی‌بدیلی در تقویت بنیان‌های اسلام و حمایت از مسلمانان اولیه ایفا کرد^۳ و سبب استحکام و تقویت اسلام شد.

درحقیقت حضرت خدیجه علیها السلام این آیه شریفه را پیش‌روی خود قرار داد که می‌فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ ... فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۴ سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مالتان ... در راه خدا جهاد کنید». و به وظیفه «جهاد مالی» که قرآن و اسلام تعیین کرده است، در حد اعلی عمل نمود.

انفاق بدون منت

حضرت خدیجه علیها السلام تمام اموال و سرمایه خود را در راه خدا و رسولش صرف کردند؛ تا آنجاکه پیامبر صلی الله علیه و آله در وصفش فرمود: «ما نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ نَفَعَنِي مَالِ خَدِيجَةَ؛^۵ هرگز هیچ مالی برای من سود نداشت، آن‌گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید». با این وجود، هیچ‌گاه توقع و انتظاری نداشت و مصداق بارز این آیه قرآن شد: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا

۱. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۴۶۸.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، کتاب جمل من انساب الأشراف، ج ۱، ص ۹۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۴. توبه: ۴۱.

۵. شیخ صدوق، امالی، ص ۴۶۸؛ محمد بن حسن طوسی؛ امالی، ص ۴۶۷.

يُنْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۱ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس از پی انفاق نه منتی می گذارند و نه آزاری می رسانند، اجرشان نزد پروردگارش محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه محزون می شوند».

بهشت، جایگاه خدیجه علیها السلام

اجری که خدا به حضرت خدیجه علیها السلام در قبال ایثار و از خودگذشتگی داد، بهشت بود. جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض می کند: «هذه خديجة فاقرة من ربها و منى و بشرها بيت في الجنة»؛^۲ سلام خداوند و مرا به خدیجه ابلاغ کن و مژده خانه‌ای در بهشت را به او بده». پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خدیجه از زنان بهشتی و از بهترین زنان و در کنار حضرت مریم بن عمران و آسیه که قرآن کریم به بهشتی بودن آنان بشارت داده است».^۳

پاسخ به یک شبهه

با توجه به اینکه در برخی از منابع متأخر آمده است «مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ: مَالِ خَدِيجَةٍ وَ سَيْفِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛^۴ این دین به مال خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام تا روز قیامت پابرجا شد؛ آیا این گونه احساس نمی شود که اسلام با زر و زور استوار شده است؟ شهید مطهری رحمته الله در پاسخ به این شبهه می فرماید: «گاهی خود ما مسلمانان حرف‌هایی می‌زنیم که نه با تاریخ منطبق است و نه با قرآن، با حرف‌های دشمن‌ها منطبق است؛ یعنی حرفی را که یک جنبه‌اش درست است، به گونه‌ای تعبیر می‌کنیم که اسلحه به دست دشمن می‌دهیم. مثل اینکه برخی می‌گویند: اسلام با دو چیز پیش رفت: با مال خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام؛ یعنی با زر و زور. اگر دینی با زر و زور پیش برود، آن چه دینی می‌تواند باشد؟! آیا قرآن در یک جا دارد که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ آیا علی علیه السلام یک جا گفت که دین اسلام با زر و زور پیش رفت؟ شک نداریم که مال خدیجه علیها السلام به درد مسلمین خورد؛ اما آیا مال خدیجه علیها السلام صرف دعوت

۱. بقره: ۲۶۲.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۷۸؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

۴. حسین انصاریان، نگاهی به مقام حضرت خدیجه علیها السلام، ج ۱، ص ۲۶.

اسلام شد؛ یعنی خدیجه علیها السلام پول زیادی داشت؛ [اما] پول خدیجه علیها السلام را به کسی دادند و گفتند: بیا مسلمان شو؟ آیا یک جا انسان در تاریخ چنین چیزی پیدا می‌کند یا نه؟ در شرایطی که مسلمین و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهایت درجه سختی و تحت فشار بودند، جناب خدیجه علیها السلام مال و ثروت خودش را در اختیار پیغمبر صلی الله علیه و آله گذاشت؛ ولی نه برای اینکه پیغمبر - العیاذ باللله - به کسی رشوه بدهد و تاریخ نیز هیچ‌گاه چنین چیزی نشان نمی‌دهد... پس اگر مال خدیجه علیها السلام نبود، شاید فقر و تنگدستی مسلمین را از پا در می‌آورد. مال خدیجه علیها السلام خدمت کرد؛... شمشیر علی علیه السلام بدون شک به اسلام خدمت کرد و اگر شمشیر علی علیه السلام نبود، سرنوشت اسلام سرنوشت دیگری بود؛ اما نه اینکه شمشیر علی علیه السلام رفت بالای سر کسی ایستاد و گفت: یا باید مسلمان بشوی یا گردنت را می‌زنم، بلکه در شرایطی که شمشیر دشمن آمده بود ریشه اسلام را بکند، علی علیه السلام بود که در مقابل دشمن ایستاد.^۱

برترین همسر رسول خدا	بود بی‌شک خدیجه کبری
در مقامش بس اینکه شد مادر	به وجود مقدس زهرا
مادر یازده امام همام	مادر نسل سید بطحا
بانوی باوفا و باعفت	بانوی بابصیرت و تقوی
آن‌که از حیث جاه و مال و منال	بود در بین قوم بی‌همتا
لیک آن مال نردبانی شد	تا کند سیر عالم بالا
داد سرمایه را به پیغمبر	که کند خرج در ره عقبی
حضرتش هست برترین مصداق	در جهادی که کرده حق امضا
آن فریضه «جهاد با مال» است	ره انفاق و ببخش و اعطا ^۲

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌سید‌الناس، محمد بن محمد، عیون‌الاثار، ج ۱، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۴ ق.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۲. شعر از مصطفی محسنی.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ م.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار القلم، ۱۴۲۲ ق.
۴. انصاریان، حسین، نگاهی به مقام حضرت خدیجه علیها السلام، چ ۱، قم: عرفان، ۱۳۸۸ ش.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، کتاب جمل من انساب الأشراف. تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، چ ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۷. دوستخواه، جلیل، اوستا، تهران: مروارید، ۱۳۷۱ ش.
۸. ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۹. راجی، سید محمد حسین، ناگفته‌های صورتی، چ ۵، [بی جا]: نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۱۰. سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ زندگانی پیامبر، چ ۱، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. سیدرضی، نهج البلاغه، مصحح: محمد دشتی، چ ۲، قم: پردیسان، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. _____، امالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهرة: مكتبة ابن تیمیة، [بی تا].
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ ۳، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ ۲، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، چ ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. علوی، هدایت‌الله، زن در ایران باستان، تهران: هیرمند، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. فرنیغ دادگی، بُندَه‌شَن، ترجمه: مهرداد بهار، تهران: توس، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. کتاب مقدس، چ ۳، انتشارات ایلام، ۲۰۰۲ م.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار مرتضی مطهری، تهران: صدرا.
۲۳. یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی تا].